

شاهنامه و هند

روابط فرهنگی ایران و هند از زمان قدیم مستحکم بوده و اقوام آریایی هردو کشور را زینت و بهی داده‌اند. به‌علاوه طبق گفته جواهرلعل نهرو "در دنیا هیچ دو کشوری قریب‌تر از ایران و هند نیستند". اگر پنجتن‌ترا یا کلیله و دمنه از هند رفته و از راه ایران ادبیات جهان را غنی ساخته، شاهنامه فردوسی به‌صور گوناگون جزو فرهنگ مشترک ما بوده و داخل دروس دانشگاهی ما می‌باشد.

در خود شاهنامه چند جا روابط فرهنگی این دو کشور دوست و هم‌جوار ذکر شده است. مثلاً خواندن بهرام لوریان را در هندوستان، فرستادن رای هند شطرنج را نزد نوشیروان ساختن بوذرجمهر نرد را و فرستادن آن را با نامه نزد رای هند، پیدا شدن شطرنج، داستان آوردن «کلیله و دمنه» از هندوستان.

تذکره‌نویسان هند از حکیم فردوسی توصیف و تجلیل کرده. نقّادان و محققان ما در این زمینه دامنه‌دار مطالعات عمیق و فرهنگ‌نویسان ما از ابیات وی استشهاد نموده‌اند. مؤلف لباب‌الالباب می‌گوید:

"فردوسی که فردوس فصاحت را رضوان و دعوی بلاغت را برهان بود، مقتدای ارباب صنعت و پیشوای اصحاب فطنت است... فردوسی برهان فضل نموده و جمله گذشتگان را در خجالت انداخته و آیندگان را در تگ و پوی فکرت افکنده"^۱.

صاحب میخانه در ساقی‌نامه خود شعر فردوسی را تضمین نموده است:

۱. عوفی بخارایی، سدیدالدین محمد: لباب‌الالباب (تألیف: ۶۱۸ هـ)، به‌کوشش سعید نفیسی، کتابخانه ابن سینا، کتابخانه حاج علی علمی، چاپ اتحاد، ۱۳۳۵ هـ.ش، ص ۲۶۹.

درین داستان هفت بیت متین ز اشعار فردوسی پاک دین
 مناسب به حال تو تضمین کنم و از گفته خویش رنگین کنم
 کز اوراد آن قطب قدسی کلام شود نظم من ختم و یابد نظام^۱
 باقر خورده کاشی این رباعی را سراییده و از ابراهیم عادلشاه^۲ جایزه دریافت
 است:

خوارند دو جا بدهر ارباب سخن نزد شه غزنین و شهنشاه دکن
 بی جا صله بردند ظهوری و حسن بی جایزه ماند شعر فردوسی و من^۳

صاحب نتایج الافکار می نویسد:

”طوسی که استعداد فطری داشت و لیاقت خلقی، همچو وی در عجم ناظمی
 عالی دستگاه قدم به عرصه ظهور نهاده و نقد سخن را به این خوش اسلوبی در
 بازار رواج نداده. زور طبع بلندش از شاهنامه می توان دید، که بر علو مرتبتش
 دلیلی ساطع است و حجّتی قاطع“^۴.

مؤلف نشتر عشق می گوید:

”خواجه در سلاست و فصاحت امام سخنوران است و خداوند بلاغت پروران،
 از زمان ظهور او تا الآن... کسی را مرتبه او دست نداده و به درجه خوش کلامی
 و شیرین مقالی او نرسیده“^۵.

به علاوه این مؤلف از متفرقات وی ابیات ذیل را نقل نموده است:

مردم آزادی مفرما نرگس خونخوار را کار فرمودن نشاید مردم بیمار را
 دل و دیده کردند کارم خراب زمانی به آتش زمانی به آب

۱. ملّا عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی: تذکره میخانه، باهتمام احمد گلچین معانی، شرکت حاج محمد حسین اقبال و شرکا، چاپخانه سپهر، ۱۳۳۹ ه. ش، ص ۸۸۲.
۲. ابراهیم عادلشاه ثانی (۱۰۳۷-۹۸۷ ه. ش/۱۵۷۹-۱۶۲۷-۱۵۷۹ م).
۳. آفتاب رای لکهنوی: ریاض العارفین، به تصحیح و مقدمه سید حسام الدین راشدی، از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۷۶ م/۱۳۹۶ ه. ق، ص ۱۰۱.
۴. محمد قدرت الله گوپاموی: تذکره نتایج الافکار، چاپخانه سلطانی، بمبئی، دی ماه ۱۳۳۶ ه. ش، ص ۵۲۳.
۵. حسین قلی خان عظیم آبادی: تذکره نشتر عشق، با تصحیح و مقدمه اصغر جانفدا، زیر نظر اعلا خان افصحزاده و جابلقادات علیشایف، نشریات دانش، دوشنبه، ۱۹۸۳ م، جلد سوم، ص ۱۱۴۷.

چشمت از حال من خبر دارد مردم مست اگرچه بی‌خبر است
 ز عکس زلف تو چشم سیاه شد آری همیشه خانه مردم سیه شود از دود
 به خواب ناز خوشند آن دو نرگس بیمار که سودمند بود خواب در زمان خمار
 فتنه چشم ترا دیدم و حیران ماندم این چه فتنه‌ست درین چشم سیه حیرانم
 نرگس بیمار با چشمت اگر دعوی کند آورد باد صبا چشم از سر نرگس برون
 او باز می‌نویسد:

”دیوان خواجه در هندوستان نایاب است... این چند بیت به تلاش بسیار از متفرقات به هم رسانیده“^۱.

اما به‌ظاهر این ابیات از فردوسی نیست، چنانکه از سبک آن ظاهر می‌شود. مؤلفان خزانه عامره، شمع انجمن، تذکره حسینی و ریاض‌الشعرا وی را «اقدام‌الفصحا و اوّل رسل ثلاثه شعرا»^۲ فحل استادان این فن و صندید ماهران سخن»^۳. «رضوان نعم سخن»^۴ «از اساطین شعرا و سلاطین بلغا»^۵ گفته‌اند.

صاحب شمع انجمن مزید اضافه می‌کند و می‌نویسد:

”شک نیست که زبان گبران را خوبتر می‌شناخت و مدح مجوسیان، چنانکه باید بپرداخت“^۶.

و مؤلف ریاض‌الشعرا می‌گوید:

”انتخاب ابیات شاهنامه گرانتر از لالی آبدار است“^۷.
 گذشته از این می‌نویسد:

۱. تذکره نشتر عشق، ص ۱۱۴۹.
۲. میر غلام علی آزاد حسینی واسطی بلگرامی: خزانه عامره، مطبع منشی نولکشور، کانپور، سپتامبر ۱۸۷۱ م، ص ۳۶۵.
۳. نواب صدیق حسن خان: شمع انجمن، انیس‌المطایع شاهجهانی، بهوپال، ۱۲۹۲ هـ ق، ص ۳۵۷.
۴. حسین دوست سنهلی: تذکره حسینی، مطبع نولکشور، ۱۸۷۵ م، ص ۲۴۴.
۵. واله داغستانی: ریاض‌الشعرا، نسخه خطی شماره ۵۴.۳۷، موزه ملی، دهلی نو، ص ۵۷۴.
۶. شمع انجمن، ص ۳۵۷.
۷. ریاض‌الشعرا، ص ۷۹-۵۷۴.

”تقی اوحدی نوشته که بعد از فرار از سلطان محمود، به هند آمد و مدتی در دهلی بود“^۱.

پس از آن خودش می گوید:

”حرف تقی اوحدی اعتبار را نشاید“^۲.

محمد صادق القا که از شاگردان میرزا عبدالقادر بیدل^۳ بوده، درباره فردوسی می گوید:

”فردوسی مالک این بیت است، که مثلش نمی توان گفت:

به دنبال چشمش یکی خال بود که چشم خودش هم به دنبال بود“^۴

علّامه شبلی نعمانی در جلد اول شعرالعجم زندگانی و آثار فردوسی را به تفصیل بیان کرده است و می گوید:

”فردوسی فطرتاً شاعر و نابغه عصر خویش بود“^۵.

و در جلد چهارم می نویسد:

”اگر بگویم ایران خود موجد مثنوی نبوده بلکه تقلید از رجز کرده است، این تقلید را از اجتهاد بالاتر باید دانست“^۶.

نیز می گوید:

”فردوسی تا این حد آشنا به وظایف و حقوق تاریخ نویسی است که در بیان وقایع ذکر سند را قبل از هر چیز ضروری می داند... شاهنامه را یک دایرةالمعارف مبسوط و جامع ایران باید نام نهاد. مذهب، فلسفه اخلاق، طرز حکومت و تشکیلات قواعد و نظامات مالی و لشکری، رسوم و عادات و

۱. ریاض الشعراء، ص ۵۷۴.

۲. همان، ص ۵۷۴.

۳. ۱۱۳۳-۱۰۵۴ هـ/ ۱۷۲۰-۱۶۴۴ م.

۴. تذکره حسینی، ص ۲۴۴.

۵. شبلی نعمانی: شعرالعجم، ترجمه آقای سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپخانه علمی تهران، ۱۳۱۶ هـ ش، جلد اول، ص ۷۷.

۶. شعرالعجم، جلد چهارم، چاپ دوم، کتابفروش ابن سینا، تهران، ص ۱۹۱.

بالآخره تمام نظامات سیاسی و اجتماعی، تفصیل هر یک را می‌توان از این کتاب به‌دست آورد^۱.

محمود شیرانی «فردوسی پرچارمقاله» (چهار مقاله درباره فردوسی)^۲ نوشته که شامل اسباب نظم شاهنامه و زمانه آن، هجو سلطان محمود غزنوی، مذهب فردوسی، یوسف زلیخای فردوسی می‌باشد. به‌علاوه وی «تنقید شعرالعجم» نوشته، اشتباهات تاریخی آن کتاب را نشان داده است و می‌گوید:

”پس از مطالعه شعرالعجم، به‌نظر من علامه شبلی از فرایض تاریخی و تحقیقی غافل بوده‌اند“^۳.

جوئل واعظ لال در تاریخ ادبیات فارسی می‌نویسد:

”در نیروی تخلیق، ظرافت هنری، شدت احساسات و قوه فکری، او کاملاً همانند هومر و دانتی می‌باشد. علاوه بر این در ایجاد صور و اجرای آنها، در ابراز نرم‌ترین احساسات، شدیدترین علاقه، تأثیر درامی، شکوه رنگ‌آمیزی، صحنه تخیل و لطافت عواطف، او به‌هیچ وجه کمتر از خود شکسپیر نیست“ (ترجمه از انگلیسی به فارسی)

سر ویلیام جونز از فردوسی این‌طور تقدیر می‌کند:

”اثر مجلل و با شکوه نابغه شرقی دارای رقابت شایستگی با خود هومر می‌باشد“ (ترجمه از انگلیسی به فارسی)

دکتر هادی حسن کتابی مفصل به‌انگلیسی به‌نام مطالعات ادبیات فارسی تألیف نموده و در آنجا درباره شاهنامه نوشته است:

۱. شعرالعجم، جلد چهارم، ص ۱۹۱.

۲. پرفسور محمود شیرانی: فردوسی پرچارمقاله، انجمن ترقی اردو (هند)، دهلی، لاهور، ۱۹۴۲ م.

۳. مقالات حافظ محمود شیرانی: تنقید شعرالعجم مع ضمایم، مرتبه مظهر محمود شیرانی، مجلس ترقی ادب، لاهور، ۱۹۷۰ م، مطبع عالیه لاهور، جلد پنجم، ص ۴.

4. Rev. Joel Waiz Lal: An Introductory History of Persian literature, Atma Ram & Sons, Lahore, Second Edition, p.88.

5. P.B. Vacha: Firdausi and Shahnama- A Study of Great Persian Epic of the Homer of the East, New Book Company, Bombay, 1953, p.9.

6. Hadi Hasan: Studies in Persian Literature, Jamia Millia Islamia Press, Aligarh, p.15.

”در مقابل شعرای غزنوی، فردوسی دارای درجهٔ مخصوصی است، زیرا آنها از نظر فکر از وی جدا هستند. آنها ایرانی و شاعر هستند، ولی شاعر ایرانی نیستند، زیرا برای ایران نمی‌نویسند.“ (ترجمه از انگلیسی به فارسی)

واچه فردوسی را هومر مشرق می‌نامد و می‌گوید:^۱

”این امر حایز اهمیّت است که در دنیای ادبیّات هیچ شاهکاری مثل شاهنامه انگیزندهٔ تقلید نبوده است. جهان فردوسی یک دنیای عشق و قهرمانیست، دنیای جادوئی هومر، مهابارت، راماین و حتّی الف لیلی نیست. در وی مثل دیگر سرایندگان افکار بشریّت، نیروی شعر و هنر با توازن کامل جمع و مخلوط گردیده است.“

دربارهٔ قصّه سیاوش، واچه در پانویس می‌نویسد:^۲

”داستان سیاوش موازی کامل و برجسته‌ای با حکایت بکتی پوران در اساطیر هندوان می‌باشد.“ (ترجمه از انگلیسی به فارسی)

در سال ۱۰۶۳ ه‍.ق/۱۶۵۳ م مطابق بیست و شش جلوس شاهجهان پادشاه^۳، توکّل بیگ مخاطب به‌شمشیر خان، حاکم غزنین، خلاصه‌ای از شاهنامه تهیه کرده بود که به‌نام «شاهنامهٔ شمشیرخانی» شهرت دارد. یک نسخهٔ خطّی این شاهنامه در کتابخانهٔ انستیتوت تحقیقات عربی و فارسی مولانا ابوالکلام آزاد راجستان، تونک مضبوط است که در سال ۱۲۵۲ ه‍.ق/۱۸۳۶ م استنساخ گردیده است.^۴ ایتکنسن همین خلاصه را در زبان انگلیسی ترجمه کرده که در سال ۱۸۳۲ م انتشار یافته است.

هند افتخار دارد که همه متون اساسی و مهم کلاسیک فارسی بالخصوص شاهنامهٔ فردوسی را اولین بار به‌چاپ رسانیده است. کپتان ترنر می‌کن (Captain Turner) (Macan) مترجم رئیس ستاد ارتش هند، به‌نسخ متعدّد و قدیم و معتبر مقابله و تصحیح

1. Firdausi and Shahnama, p.6, 178, 201, 205.

2. Firdausi and Shahnama, p.178.

۳. ۱۰۶۸-۱۰۳۷ ه‍.ق/۱۶۵۸-۱۶۲۸ م.

۴. نسخهٔ خطّی، شمارهٔ ۲۲۰.

نموده با فرهنگ «الفاظ نادر و اصطلاحات غریب» در سال ۱۸۲۹ م در چند جلد انتشار داده است.^۱

به‌علاوه به‌فرمایش آقا محمد باقر تاجر شیرازی به‌سعی و اهتمام رتنجی کاؤس صراف، به‌توسط سید رضا ابن احمد الحسینی شیرازی در بمبئی در سال ۱۲۶۶ هـ/ق/ ۱۸۴۹ م به‌چاپ رسیده است. گذشته از این در همان شهر بمبئی در سالهای ۱۲۷۲ هـ/ق/ ۱۸۵۵-۵۶ م و ۱۲۷۴ هـ/ق/ ۱۸۵۷-۵۸ م از چاپخانه بیرون آمده است. علاوه بر این در مطبع نولکشور کانپور در سالهای ۱۲۹۱ هـ/ق/ ۱۸۷۴ م، ۱۳۱۴ هـ/ق/ ۱۸۹۷ م، ۱۳۲۶ هـ/ق/ ۱۹۰۸ م، ۱۳۲۷ هـ/ق/ ۱۹۰۹ م به‌چاپ رسیده و انتشار یافته است. علاوه بر این چاپخانه‌های دیگر مثل مطبع انوار احمدی (اله‌آباد، یو.پی.) هم طبع گردیده است. نسخه‌های بی‌شمار خطی مصور و غیرمصور شاهنامه در کتابخانه‌ها و موزه‌های هند مضبوط می‌باشند. چهار نسخه خطی^۲ در کتابخانه شخصی نواب رحمت الله خان، مزمل منزل، علیگره (یو.پی.)، یک شاهنامه خطی مصور^۳ در کتابخانه انستیتوت تحقیقات عربی و فارسی مولانا ابوالکلام آزاد راجستان، تونک و یک نسخه خطی مصور^۴ و سه غیرمصور^۵ در کتابخانه راجا محمودآباد، لکهنؤ، یک نسخه مصور^۶ و پنج غیرمصور^۷ در کتابخانه ندوةالعلماء، لکهنؤ، یک نسخه خطی^۸ در دانشگاه لکهنؤ، دو نسخه خطی^۹ در

۱. باپتیست میشن پریس، کلکته، ۱۸۲۹ م.

۲. (الف) شماره ۷۹، کتابت ۱۰۰۴ هـ (۹۶-۱۵۹۵ م)، جونپور، نستعلیق، صفحات ۸۱۴، سطور ۳۱، سائز ۳۲/۴×۲۱، مطلقاً، منقوش شامل سه مهر مسعود حسن، بادشاه خان و غیره.

(ب) شماره ۷۸۹، کتابت ۱۲۵۸ هـ (۱۸۴۲ م)، نستعلیق، صفحات ۱۵۲۲، سطور ۱۹، سائز ۲۸/۴×۱۵.

(ج) شماره ۷۸۸، کتابت ۱۲۵۳ هـ (۱۸۳۷ م)، نستعلیق، صفحات ۱۶۳، سطور ۱۹، سائز ۲۷/۲×۱۶.

(د) شماره ۷۸۹، کتابت ۱۲۵۸ هـ (۱۸۴۲ م)، نستعلیق، صفحات ۱۵۲۲، سطور ۱۹، سائز ۲۸/۴×۱۵.

۳. شماره ۴۶۷۶.

۴. شماره ۸۱/۲۹، شاهنامه خطی مصور مورخ ۸۲ هجری، بیست میناتور، برای شاهرخ پسر تیمور.

۵. شماره ۸۰/۲۳، نستعلیق، ۱۰۶۳ هجری، ۸۲/۵، ۸۳/۳۱۷.

۶. شماره ۱۲۵/۷۷.

۷. شماره ۱۲۴/۶۱، ۱۲۶/۴۵، ۱۲۷/۶۲، ۱۲۸/۵، ۱۲۶/۷۸.

۸. شماره ۸۹۱-۵۵۱/F۴۷ S/۴۵۱۱۸.

۹. شماره ۲۴/۲۷۹، نستعلیق، ۹۹۲ هجری، ۲۵/۲۸۰.

کتابخانه حمیدیه بوپال (مادّیپرادش)، هشت نسخه خطّی^۱ در کتابخانه خدابخش، پتنا (بیهار)، یک نسخه خطّی^۲ در کتابخانه دارالعلوم دیوبند (دیوبند، یو.پی.)، یک نسخه مصوّر^۳ و پنج غیرمصوّر^۴ در کتابخانه مؤسسه مطالعات شرقی (کتابخانه آصفیه)، حیدرآباد، یک نسخه مصوّر^۵ و دو غیرمصوّر^۶ در موزه قلعه سرخ، دهلی، پنج نسخه خطّی مصوّر^۷ شاهنامه در موزه ملی، دهلی نو، یک نسخه مصوّر در کتابخانه شخصی عقیل محمد^۸، دو نسخه خطّی^۹ در کتابخانه آزاد باوان دهلی نو، نه نسخه خطّی^{۱۰} شاهنامه در مجموعه تونک، موزه ملی، دهلی نو دو نسخه خطّی^{۱۱} در کتابخانه

۱. شماره ۱۷۹۲، ۱۷۹۳ (۲۳ رمضان ۱۲۴۶ هـ)، ۱۷۹۳، ۷۹۵، ۱۷۶۹، ۱۷۹۷ و ...
۲. شماره ۹۸/۲۵۸.
۳. شماره ۱۳۳۵ (کتابت: ۱۲۳۶ هجری، بخط هری رام پندت).
۴. شماره ۲۶۲ (کتابت: ۱۰۰۷ هـ)، شماره ۲۱۲، ۱۵۸۱، ۱۸۷۱، ۲۲۵۱.
۵. شماره ۱۰ (با مقدمه بایسنقری، ناقص الآخر).
۶. (الف) شماره ۸۴۰ (کتابت ۱۱۸۰ هجری، باسم عالمگیر بادشاه و آبا و اجداد وی). (ب) شماره ۱۴۱.
۷. (الف) شاهنامه مصوّر، نود و هفت مینیاتور، کتابت ۸۵۰ هـ/قرن پانزدهم میلادی در شیراز، شماره ۵۸۰۱. (ب) شماره ۵۴۰۶۰، با مقدمه بایسنقری، کاتب: محمود ابن محمد، برای خواجه نورالدین محمد، کتابت ۸۳۱ هـ/۱۴۲۸ م، نود مینیاتور مکتب بخارا. (ج) شماره ۵۴۰۲۰، از اول ناقص، کاتب: یعقوب بن شیخ ابراهیم شیرازی، کتابت: ۱۰۵۷ هـ/۱۶۴۷ م، پنجاه و هشت مینیاتور، مکتب مغولان گورکانی. (د) شماره ۷۰۵۳۲/۸، شامل مقدمه بایسنقری و پیش از بایسنقر، کاتب: ملک شرف الدین قادری، کتابت: ۱۲۴۶ هـ/۱۸۳۰ م، یکصد و شصت و دو مینیاتور، مکتب کشمیر، در لاهور، عهد مهاراجه رنجیت سینگ. (ه) شماره ۸۸۰۸۷۱، چهل مینیاتور، قرن نوزدهم.
۸. بیست و دو مینیاتور، حاظه حاجی خدابخش، فتح گنج، لکهنو، یو.پی.
۹. شماره ۶۳ (کتابت: ۸۲۹ هـ)، شماره ۱۳۳.
۱۰. شماره ۷۰۰، شماره ۷۰۱، شماره ۷۰۲ (کتابت: ۲۴ رجب ۱۰۰۰ هـ)، شماره ۷۰۳ (کتابت: ۲۷ جمادی الاول، ۱۲۵۲ هـ)، شماره ۷۰۴ (کتابت: ۱۲۰۳ هـ)، شماره ۷۰۵، شماره ۷۰۸، شماره ۷۰۹، شماره ۷۱۱.

11. Descriptive Catalogue of the Oriental Library of Tipu Sultan of Mysore, Cambridge, 1809, by Charles Stewart, Vol. 1&2.

تیپوسلطان، چهار نسخه خطی^۱ در کتابخانه صولت (رامپور، یو.پی.)، یک نسخه خطی^۲ در کتابخانه گجرات و دیا سنستا (احمدآباد)، دو نسخه خطی مصور^۳ و دو غیر مصور^۴ در موزه الور (راجستان)، یازده نسخه خطی^۵ مصور و غیر مصور در کتابخانه دولتی رضا (رامپور، یو.پی.)، یک نسخه خطی مصور^۶ و یک غیر مصور^۷ در کتابخانه ایشیاتیک سوسائیتی (کلکته)، شش نسخه مصور^۸ و یک نسخه غیر مصور^۹ و یک نسخه مصور تاریخ دلکشای شمشیر خانی^{۱۰} چهار نسخه غیر مصور^{۱۱} و یک نسخه خطی مرآة الملوک^{۱۲} در موزه سالار جنگ (حیدرآباد)، چهار نسخه خطی مصور^{۱۳} و هیجده

۱. شماره ۳۵۶/۳۲، ۲۹۲/۳۶، ۳۴۴/۳۴، ۳۴۳/۵.
۲. شماره ۱۲.
۳. شماره ۹۱ با شش مینیاتور، شماره ۹۴ با ۱۸۵ مینیاتور.
۴. شماره ۹۲ (کتابت: ۱۲۳۵ هـ)، شماره ۹۳.
۵. شماره ۳۹۰۹، ۳۹۱۰، ۳۹۱۱، ۳۹۱۲، ۳۹۱۳، ۳۹۱۴، ۳۹۱۵، ۳۹۱۶، ۳۹۱۷، ۳۹۱۸، ۳۹۱۹.
۶. شماره ۴۲۲ با هشت مینیاتور.
۷. شماره ۴۲۱ (کتابت: ۸۸۲ هـ/۱۴۷۷ م) کاتب: بدن بن قوام‌الدین بن کمال‌الدین یوسف معروف به امیر بلغاری).
۸. (الف) شماره (۱۰۹۹) A/Nm ۵۷۶ با مقدمه بایسنقری و پانزده مینیاتور مکتب شیراز، کتابت: ۱۲۹ هـ/۱۴۲۶ م.
- (ب) شماره (۱۱۰۰) A/Nm ۵۸۱ با سه مینیاتور مکتب دکن (بیجاپور)، کتابت: ۱۰۰۹ هـ/۱۶۰۱ م.
- (ج) شماره (۱۱۰۱) A/Nm ۵۷۷ با سی و هفت مینیاتور، مکتب شیراز، کتابت: ۱۰۲۶ هـ/۱۶۱۷ م.
- (د) شماره (۱۱۰۳) A/Nm ۵۷۹ با سی و هفت مینیاتور، مکتب مغول، کتابت: ۱۰۷۱-۱۰۶۹ هـ/۱۶۶۰-۱۶۵۸ م.
- (ه) شماره (۱۱۰۴) A/Nm ۵۵۷ با بیست و دو مینیاتور، مکتب شیراز.
- (و) شماره (۱۱۰۵) A/Nm ۵۸۰ با هفت مینیاتور، مکتب مغول.
۹. شماره (۱۱۰۳) A/Nm ۵۷۷ کتابت: ۱۰۴۱ هـ/۱۶۳۲ م.
۱۰. شماره (۱۱۰۶) N.N./۱۰۶ با نوزده مینیاتور.
۱۱. شماره (۱۱۰۷) A.N./۸۰۹، شماره (۱۱۰۸) A.N./۱۰۷، شماره (۱۱۰۹) A.N./۱۰۸، شماره (۱۱۱۰) A.N./۳۹۳.
۱۲. تألیف هرینگوان، ۱۱۷۸ هـ/۱۷۶۵ م.
۱۳. شماره ۱۱- فارسی ۲، شماره ۴۰۵/۳-۴۰۷/۳، شماره ۱۰۴-۱۰۷- فارسی، شماره ۱۴۰-۱۴۳.

هیجده غیرمصور^۱ در کتابخانه دانشگاه اسلامی علیگر، یک نسخه خطی مصور^۲ و سه نسخه غیرمصور^۳ در کتابخانه ملّا فیروز (کاما انستیتوت، بمبئی)، یک نسخه غیرمصور^۴ در کتابخانه جامعه ملیه اسلامیہ (دهلی نو) مضبوط می‌باشند.

علاوه بر نسخه‌های بی‌شمار خطی و چاپی، شاهکار نامبرده در زبانهای محلی هند، بالخصوص در زبان اردو ترجمه و چاپ گردیده است. مولچند لکهنوی متخلص به منشی، شاهنامه شمشیرخانی را در عهد گورنر جنرل سر هنری هاردینگ به دستور کپتان جارج ترنیل مارشل بهادر، بنام «قصه خسروان عجم» برای مدارس ترجمه نمود، تا محصلین با اصطلاحات رزمی آشنا و چست و چالاک گردند.

بیت:

هر آن کس که شهنامه خوانی کند اگر زن بود پهلوانی کند
به علاوه مولوی غلام حیدر، ساکن هوگلی، اضافه می‌کند که اگرچه این کتاب تاریخی قدیم است، اما این قدر جاذب و پرکشش است که همواره تازه به نظر می‌رسد.

بیت:

ساقی تو نظر کیچو تک سخن چن کو اس پیر کے جلوے کا بھلا کوئی جوان ہے^۵

-
۱. الف) شماره ۸۹۱-۶۵۵۱/۱۰۳، ضمیمه مجموعه سبحان الله، علیگر.
 - ب) شماره ۴۰۸/۸، ف، ۴۰۶/۲، ۴۰۹/۵، ۴۱۱/۷.
 - ج) شماره ۹۰، ضمیمه دانشگاه علیگر.
 - د) شماره ۱۴، ۱۳.
 - ه) شماره ۸۲، ۸۱.
 - و) شماره ۱۳۸/۵، ۱۳۵/۲.
 - ز) شماره ۸۹۱-۵۵۱۴/۲۱، ذخیره احسن، علیگر.
 - ح) شماره ۷۵۴/۲۱، ۷۵۷/۲۲.
 - ط) شماره ۱/۲، ذخیره شاه منیر عالم.
 - ی) شماره ۱۲، ف ۲.
 ۲. شماره ۹۰.
 ۳. شماره ۹۱، شماره ۹۲-۹۳ (کتابت: ۱۰۳۵هـ)، شماره ۹۴ (کتابت: ۱۰۲۱هـ).
 ۴. شماره ۴۱، کتابت: ۲۴ شعبان ۱۲۵۱هـ/۱۸۳۵م.
 ۵. ترجمه عبارت اردو: مولوی غلام حسین.

ترجمہ نامبرده با بیت ذیل شروع می شود:

سرنامہ حمد خداے کریم کہ ہے کردگار غفور و رحیم

و با این بیت پایان می رسد:

جو شمشیر خانی میں تظیر تھا سو وہ بے کم و کاست میں نے لکھا

پس از اختتام اصل ترجمہ مترجم «در خاتمہ کتاب» از خدای متعال سپاسگزاری و

از اکبر شاه ثانی^۱ تمجید می کند:

سپاس خدای جہان آفرین بر آزرده آسمان برین

الہی شہنشاہ والاگر کہ یہ نامہ جس کے ہوا نام پر

ابونصر اکبر خدیو زمان جہاں میں رہے جب تلک ہے زمان

این ترجمہ منظوم به سعی و اہتمام غلام حیدر و مولوی احمد علی گویاموی در

سال ۱۲۶۲ھ/۱۸۴۶م در کلکتہ به چاپ رسیدہ است.